



دانشگاه سام نور

تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی
ایران در دوره صفویه

(رشته تاریخ)

www.ketab.ir

دکتر کریم نجفی برزگر

سرشناسه	: نجفی بزرگر، کریم
عنوان و نام پدید آور	: تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه (رشته تاریخ) / کریم نجفی بزرگر
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	: [۲۰]، ۳۲۷ ص.
فروست	: دانشگاه پیام نور، ۲۱۱۹. گروه تاریخ، ۱۳۴
شابک	: 978 - 964 - 14 - 0166 - 7
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۳۲۵ - ۳۳۱؛ همچنین به صورت زیرنویس
موضوع	: ایران - تاریخ - صفویان، ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق.
موضوع	: ایران - سیاست و حکومت - ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق.
موضوع	: ایران - اوضاع اجتماعی - ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق.
موضوع	: ایران - اوضاع اقتصادی - ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق.
موضوع	: ایران - تاریخ - آموزش برنامه‌ای
شناسه افزوده	: دانشگاه پیام نور
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ۳۲۵/۳ DSR1۱۷۶
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۲۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۱۱۴۱



تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه

مؤلف: دکتر کریم نجفی بزرگر

ویراستار علمی: دکتر مهری ادریسی

ویراستار ادبی: رضا ثمری

تهیه و تولید: مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

لینوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت و تاریخ چاپ: چاپ اول اسفند ۱۳۹۳

شابک: ۷ - ۱۶۶ - ۱۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 14 - 0166 - 7

فروش این کتاب فقط از طریق نمایندگی‌های دانشگاه پیام نور مجاز می باشد و فروش آن در سایر مراکز فروش کتاب موجب تعقیب قانونی فروشنده خواهد گردید

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ و متعلق به دانشگاه پیام نور است. تولید، کپی یا خلاصه برداری، نشر و ترجمه، چاپ، افست، توزیع گسترده، تهیه CD و ... این اثر یا بخشی از آن اعم از متن، طرح پشت و روی حلد و ... بدون اخذ مجوز کتبی از مرکز چاپ و توزیع دانشگاه خلاف مقررات و تعرض به حقوق مادی و معنوی دانشگاه است. متخلفین وفق قانون حمایت از مولفان و مصنفان و هنرمندان دارای مسئولیت حقوقی و کیفری بوده و تحت پیگرد قرار می گیرند.

قیمت: ۸۷۰۰۰ ریال

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده است: «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ». در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جوای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود، در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور به‌جدیدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزار می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلت‌گاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نمودند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز ارزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

سیرده

مقدمه

۱	فصل اول- بررسی منابع
۱	اهداف کلی
۱	اهداف رفتاری
۲	۱-۱- تاریخ‌نگاری عمومی
۶	۱-۲- تاریخ‌نگاری سلسله‌ای
۱۳	۱-۳- سفرنامه‌ها
۱۸	خودآزمایی‌های چندگزینه‌ای
۱۹	خودآزمایی‌های تشریحی

فصل دوم- زمینه‌های تشکیل دولت صفویه

۲۱	اهداف کلی
۲۱	اهداف رفتاری
۲۲	۱-۲- زمینه‌های مذهبی
۲۴	۲-۲- زمینه‌های سیاسی
۲۴	۲-۳- زمینه‌های اجتماعی
۲۶	خودآزمایی‌های چندگزینه‌ای
۲۸	خودآزمایی‌های تشریحی

فصل سوم- خاندان صفویه

۲۹	اهداف کلی
۲۹	اهداف رفتاری

۳-۱- ابوالفتح صفی‌الدین اسحاق اردبیلی

۳-۲- شیخ صدرالدین موسی

۳-۳- خواجه علی سیاهپوش

۳-۴- شیخ ابراهیم معروف به شیخ شاه

۳-۵- شیخ جنید

۳-۶- شیخ حیدر

خودآزمایی‌های چندگزینه‌ای

خودآزمایی‌های تشریحی

فصل چهارم - تشکیل پادشاهی صفویه

اهداف کلی

اهداف رفتاری

۴-۱- مقدمات جلوس شاه اسماعیل اول

۴-۲- اوضاع داخلی ایران

۴-۳- نبرد با همسایگان

۴-۳-۱- رویارویی با اذیکان و جنگ مرو

۴-۳-۲- نبرد با عثمانی

۴-۴- روابط ایران و هند در عصر شاه اسماعیل اول

۴-۵- روابط ایران و پرتغال در عصر شاه اسماعیل اول

۴-۶- فرجام شاه اسماعیل اول

۴-۷- شخصیت شاه اسماعیل اول

خودآزمایی‌های چندگزینه‌ای

خودآزمایی‌های تشریحی

فصل پنجم - شاه طهماسب اول

اهداف کلی

اهداف رفتاری

۵-۱- شورش‌های عصر شاه طهماسب

۵-۱-۱- شورش القاص میرزا

۵-۱-۲- شورش حاکم شوشتر

۵-۱-۳- شورش خواجه صالح بیتکچی

۵-۱-۴- شورش علاءالدوله رعناشی

۵-۱-۵- شورش سام میرزا و آغزبوارخان

۵-۱-۶- شورش خان احمدخان گیلانی

۵-۱-۷- شورش قزاق سلطان

۵-۱-۸- شورش ترکمانان یقه

۵-۲- روابط ایران و عثمانی در عصر شاه طهماسب اول

۵-۲-۱- دوره دوم جنگ‌های ایران و عثمانی

۵-۲-۲- دوره سوم روابط ایران و عثمانی

۹۵	۳-۲-۵- پناهندگی بایزید به ایران
۹۷	۳-۵- شاه طهماسب و ازبکان
۱۰۰	۴-۵- روابط ایران و هند در عصر شاه طهماسب اول
۱۰۱	۴-۱- پناهندگی همایون به دربار ایران
۱۰۲	۵-۵- روابط ایران و روسیه در عصر شاه طهماسب اول
۱۰۶	۶-۵- فرجام شاه طهماسب
۱۰۷	۷-۵- شخصیت شاه طهماسب
۱۰۹	خودآزمایی‌های چندگزینه‌ای
۱۱۰	خودآزمایی‌های تشریحی

۱۱۱	فصل ششم - شاه اسماعیل دوم
۱۱۱	اهداف کلی
۱۱۱	اهداف رفتاری
۱۱۲	۱-۶- روابط ایران و عثمانی در عصر شاه اسماعیل دوم
۱۱۲	۲-۶- روابط ایران و هند در عصر شاه اسماعیل دوم
۱۱۳	۳-۶- روابط ایران و ازبکان در عصر شاه اسماعیل دوم
۱۱۳	۴-۶- فرجام شاه اسماعیل دوم
۱۱۴	۵-۶- شخصیت شاه اسماعیل دوم
۱۱۵	خودآزمایی‌های چندگزینه‌ای
۱۱۶	خودآزمایی‌های تشریحی

۱۱۷	فصل هفتم - از مرگ شاه اسماعیل دوم تا جلوس شاه عباس اول
۱۱۷	اهداف کلی
۱۱۷	اهداف رفتاری
۱۱۸	۱-۷- شاه محمد خدابنده
۱۲۱	۲-۷- آخرین سال‌های پادشاهی شاه محمد خدابنده
۱۲۱	۳-۷- رویدادهای خراسان
۱۲۴	۴-۷- روابط ایران و عثمانی در عصر شاه محمد خدابنده
۱۲۶	۵-۷- روابط ایران و ازبکان در عصر شاه محمد خدابنده
۱۲۷	۶-۷- روابط ایران و روسیه در عصر شاه محمد خدابنده
۱۲۷	۷-۷- روابط ایران و پرتغال در عصر شاه محمد خدابنده
۱۲۸	۸-۷- شاه محمد خدابنده و پاپ
۱۲۹	۹-۷- شخصیت شاه محمد خدابنده
۱۲۹	خودآزمایی‌های چندگزینه‌ای
۱۳۱	خودآزمایی‌های تشریحی

۱۳۳	فصل هشتم - سلطنت شاه عباس اول
۱۳۳	اهداف کلی
۱۳۳	اهداف رفتاری

۱۳۷	۸-۱- شورش های داخلی عصر شاه عباس اول
۱۳۷	۸-۱-۱- شورش یعقوب خان ذوالقدر
۱۴۳	۸-۱-۲- شورش شاهوردی خان لر
۱۴۴	۸-۱-۳- شورش سید مبارک والی خوزستان
۱۴۵	۸-۱-۴- شورش خان احمدخان گیلانی
۱۴۸	۸-۱-۵- شورش علی خان گرایلی
۱۴۸	۸-۱-۶- سرکوب امیرخان برادوست کرد
۱۵۰	۸-۱-۷- شورش کردان مکری
۱۵۱	۸-۱-۸- شورش نقطویان
۱۶۷	۸-۲- روابط ایران و ازبکان در عصر شاه عباس اول
۱۷۱	۸-۳- روابط ایران و عثمانی در عصر شاه عباس اول
۱۷۵	۸-۴- روابط ایران و پرتغال و اسپانیا در عصر شاه عباس اول
۱۸۲	۸-۵- روابط ایران و روسیه در عصر شاه عباس اول
۱۸۶	۸-۶- روابط ایران و هند در عصر شاه عباس اول
۱۸۷	۸-۷- روابط ایران و انگلیس در عصر شاه عباس اول
۱۸۹	۸-۸- فرجام شاه عباس اول
۱۹۳	۸-۹- شخصیت شاه عباس اول
۱۹۵	خودآزمایی های چندگانه ای
۱۹۶	خودآزمایی های تشریحی
۱۹۷	فصل نهم- از شاه عباس تا سقوط اصفهان
۱۹۷	اهداف کلی
۱۹۷	اهداف رفتاری
۱۹۸	۹-۱- شاه صفی
۲۰۱	۹-۲- قتل امامقلی خان امیرالامرای فارس
۲۰۵	۹-۳- معاهده قصر شیرین (زهاب)
۲۰۶	۹-۴- شورش طهمورث خان گرجی
۲۰۶	۹-۵- روابط ایران و ازبکان در عصر شاه صفی
۲۰۷	۹-۶- فتح قندهار
۲۰۷	۹-۷- روابط ایران و روسیه در عصر شاه صفی
۲۰۸	۹-۸- شاه عباس دوم (۱۰۵۴-۱۰۷۷هـ-ق)
۲۰۹	۹-۹- روابط ایران و هند در عصر شاه عباس دوم
۲۰۹	۹-۱۰- روابط ایران و روسیه در عصر شاه عباس دوم
۲۱۲	۹-۱۱- فرجام شاه عباس دوم
۲۱۳	۹-۱۲- شخصیت شاه عباس دوم
۲۱۳	۹-۱۳- شاه سلیمان/شاه صفی دوم (۱۰۷۷-۱۱۰۵هـ.ق)
۲۱۴	۹-۱۴- روابط ایران و ازبکان در عصر شاه سلیمان
۲۱۵	۹-۱۵- روابط ایران و روسیه در عصر شاه سلیمان
۲۱۷	۹-۱۶- روابط ایران و عثمانی در عصر شاه سلیمان

۲۱۷	۱۷-۹- شخصیت شاه سلیمان صفوی
۲۱۷	۱۸-۹- شاه سلطان حسین صفوی
۲۱۸	۱۹-۹- شورش های قومی
۲۲۰	۲۰-۹- سقوط اصفهان
۲۲۱	۲۱-۹- نقش شاه سلطان حسین در سرنگونی سلسله صفوی
۲۲۲	۲۲-۹- روابط ایران و عثمانی در عصر شاه سلطان حسین صفوی
۲۲۳	۲۳-۹- روابط ایران و روسیه در عصر شاه سلطان حسین صفوی
۲۲۷	۲۴-۹- شخصیت شاه سلطان حسین صفوی
۲۲۹	خودآزمایی های چندگزینه ای
۲۳۱	خودآزمایی های تشریحی
۲۳۳	فصل دهم - شاه طهماسب دوم
۲۳۳	اهداف کلی
۲۳۳	اهداف رفتاری
۲۳۷	۱-۱۰- علل سقوط سلسله صفویه
۲۳۹	خودآزمایی های چندگزینه ای
۲۴۱	خودآزمایی های تشریحی
۲۴۳	فصل یازدهم - تشکیلات اداری در عصر صفویه
۲۴۳	اهداف کلی
۲۴۳	اهداف رفتاری
۲۴۴	۱-۱۱- مراتب اداری علما
۲۴۴	۱-۱-۱۱- صدر
۲۴۷	۲-۱-۱۱- ملاباشی
۲۴۸	۳-۱-۱۱- شیخ الاسلام
۲۵۱	۴-۱-۱۱- قاضی
۲۵۲	خودآزمایی های چندگزینه ای
۲۵۳	خودآزمایی های تشریحی
۲۵۵	فصل دوازدهم - ساختار اجرایی صفویان
۲۵۵	اهداف کلی
۲۵۵	اهداف رفتاری
۲۵۶	۱-۱۲- وکالت نفس نفیس همایون
۲۵۷	۲-۱۲- وزیر اعظم (اعتمادالدوله)
۲۵۷	۳-۱۲- امرا
۲۵۷	۱-۳-۱۲- امرای سرحدی
۲۵۸	۲-۳-۱۲- امرای دولخانه
۲۵۸	۳-۳-۱۲- امیرالامرا
۲۵۸	۴-۱۲- سلسله مراتب حکام ایالات

۲۵۸	۱۲-۴-۱- خان
۲۶۰	۱۲-۴-۲- داروغه
۲۶۰	۱۲-۴-۳- کلانتر
۲۶۰	۱۲-۴-۴- بیگلربیگی
۲۶۱	۱۲-۴-۵- وزیر و وکیل ایالتی
۲۶۲	۱۲-۴-۶- خلیفه الخلفا
۲۶۴	۱۲-۴-۷- مستوفی الممالک
۲۶۵	۱۲-۵- ساختار نظامی و لشکری
۲۶۷	۱۲-۵-۱- قورچی باشی
۲۶۷	۱۲-۵-۲- قوللر
۲۶۸	۱۲-۵-۳- قوللر آقاسی
۲۶۸	۱۲-۵-۴- تفنگچی آقاسی
۲۶۸	۱۲-۵-۵- تفنگچی لر آقاسی
۲۶۹	۱۲-۵-۶- توپچی
۲۶۹	۱۲-۵-۷- مین باشی
۲۶۹	۱۲-۵-۸- یوزباشی
۲۶۹	۱۲-۵-۹- اویباشی
۲۶۹	۱۲-۶- القاب امرا
۲۶۹	۱۲-۶-۱- عالیجاه
۲۷۰	۱۲-۶-۲- مقرب الخاقان
۲۷۰	۱۲-۶-۳- ایشیک آقاسی باشی حرم
۲۷۰	۱۲-۶-۴- منجم باشی
۲۷۰	۱۲-۶-۵- حکیم باشی
۲۷۱	۱۲-۶-۶- معیر الممالک
۲۷۱	۱۲-۶-۷- مهرداد
۲۷۱	۱۲-۶-۸- دواتدار
۲۷۲	۱۲-۶-۹- منشی الممالک
۲۷۳	۱۲-۶-۱۰- لقب مقرب الحضرت
۲۷۳	۱۲-۶-۱۱- یساولان صحبت
۲۷۴	۱۲-۶-۱۲- قاپوچیان
۲۷۴	۱۲-۶-۱۳- صاحب جمعان بیوتات
۲۷۴	۱۲-۶-۱۴- مستوفی ارباب التحویل
۲۷۴	۱۲-۶-۱۵- مهماندار باشی
۲۷۵	۱۲-۶-۱۶- جبه دار باشی
۲۷۵	۱۲-۶-۱۷- چارچی باشی
۲۷۵	۱۲-۶-۱۸- توشمال باشی
۲۷۶	خودآزمایی های چندگزینه ای
۲۷۷	خودآزمایی های تشریحی

۲۷۹	فصل سیزدهم - اوضاع فکری، فرهنگی و مذهبی ایران در عصر صفویه
۲۷۹	اهداف کلی
۲۷۹	اهداف رفتاری
۲۸۴	۱-۱۳- متفکران و علما
۲۸۴	۱-۱-۱۳- محقق کرکی
۲۸۵	۲-۱-۱۳- غیاث‌الحکما
۲۸۶	۳-۱-۱۳- شیخ بهایی
۲۸۷	۴-۱-۱۳- ملا محمد تقی مجلسی
۲۸۸	۵-۱-۱۳- ملا محمد باقر مجلسی
۲۸۹	۶-۱-۱۳- حکیم سید ابوالقاسم میرفندرسکی
۲۹۰	۷-۱-۱۳- ملا صدرا
۲۹۱	۸-۱-۱۳- میر داماد
۲۹۲	۹-۱-۱۳- مقدس اردبیلی
۲۹۲	۲-۱۳- پزشکی
۲۹۷	۳-۱۳- نجوم
۲۹۸	۴-۱۳- نقاشی
۳۰۴	۵-۱۳- خوشنویسی و تذهیب
۳۰۴	۶-۱۳- تجلید
۳۰۵	۷-۱۳- سفالگری
۳۰۶	۸-۱۳- معماری و کاشی‌کاری
۳۰۹	۹-۱۳- موسیقی
۳۱۱	۱۰-۱۳- قالیبافی
۳۱۲	۱۱-۱۳- نساجی
۳۱۳	۱۲-۱۳- فلزکاری
۳۱۴	خودآزمایی‌های چندگزینه‌ای
۳۱۵	خودآزمایی‌های تشریحی
۳۱۷	پاسخ خودآزمایی‌های چندگزینه‌ای
۳۲۱	منابع و مأخذ

مقدمه

در تاریخ ایران پس از اسلام، ظهور سلسله صفویه، نقطه عطف مهمی به‌شمار می‌رود؛ زیرا پس از قرن‌ها، ایران توانست با دستیابی مجدد به هویت ملی، به کشوری قدرتمند و مستقل در شرق اسلامی تبدیل شود و در مقابل گردنکشان و عاصیان بر حکومت مرکزی پایداری کند و با رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع نیز به خاطر دفاع از همان مذهب، دشواری‌های بزرگ را در برابر هجوم‌های دو دولت نیرومند شرقی (ازبکان) و غربی (عثمانیان) تحمل و دایره سروری و خلافت عثمانیان را بر ممالک اسلامی رد کند. از این رو باید گفت با تشکیل دولت صفوی در اوایل قرن دهم هجری قمری که حکومت، مذهبی و بر پایه تشیع بود، گذشته از گسیختگی پیوندهای ملی ایرانیان که به‌دست فراموشی سپرده شد، بار دیگر به قول ادوارد براون، از ملت ایران «ملتی قائم‌بالذات، متحد، توانا و واجب‌الاحترام ساخت و ثغور آن را در ایام سلطنت شاه عباس اول به حدود امپراطوری ساسانیان رسانید» (صفا، ۱۳۶۶، ج ۴، ۲۵).

ثبات قدرت دویست و سی ساله صفوی و سرکوبی اقوام مهاجم که با قتل و غارت‌های بی‌پای خود فرصت آبادانی و نیک‌بختی را از ایران دریغ کرده بودند، مایه گسترش آبادی‌ها، فزونی جمعیت و شکوفایی صنعت و بازرگانی شد و به تدریج آیین‌ها و قاعده و قانون‌هایی لازم در ایجاد امنیت در کشور و جلوگیری از دستبرد یغماگران شکل گرفت؛ راه‌های کاروان رو در کشور ساخته شد و شهرها و آبادی‌ها، ابنیه عام‌المنفعه، مدرسه‌ها و مسجدها، رباط‌ها و کاروانسراهای بسیار در نواحی مختلف ایران احداث گردید. در کارهای صنعتی، هنری و معماری پیشرفت‌های چشمگیری

حاصل شد که سرآغاز آن به دوران پادشاهی شاه اسماعیل اول باز می‌گردد. چنان که در دوران حکمروایی او، شهرهای اردبیل، تبریز، خوی و اصفهان رو به گسترش نهاد. اردبیل، شهر مقدس صفویان و آرامگاه نخستین پیشوای صوفیان سرخ‌کلاه بود و مردم بسیار از دیارهای دیگر به قصد زیارت شیخ صفی‌الدین به آنجا رفته و از این راه به ثروت آن می‌افزودند. خوی، مرکزیت نظامی و سپاهی داشت و یک بنای «دولتخانه» = کاخ شاهی و مرکز امور مملکتی در آن برپا بود که با «دولتخانه» تبریز کوس برابری می‌زد. تبریز که نخستین تختگاه صفوی بود و پیش از شاه اسماعیل، در دوران سلطنت دودمان بایندری آباد و دارای کاخ‌ها، مساجد، گرمابه‌ها و دیگر تأسیسات و بناهای شهری بود، در دوران پادشاهی شاه اسماعیل اول صفوی مورد توجه نویسندگان، دانش‌پژوهان و هنرمندان نامور زمان قرار گرفت و بسیاری از این بزرگان به درگاهش روی نهادند و بدان شهر رونق تازه‌ای بخشیدند. در این میان، به‌ویژه، دسته‌ای از هنرمندان اهل هرات را باید به یاد داشت که با آمدن به تبریز، مرکز هنری تازه‌ای در آن شهر برپا کردند. تبریز در عهد شاه اسماعیل و مدتی از دوران پادشاهی شاه طهماسب اول، بازار گرمتری برای مبادله کالاهای یافت.

شاه عباس اول اصلاحات داخلی را آغاز کرد. وی به همان اندازه که به گسترش داد و دین، بزرگداشت عالمان، تشویق هنرمندان و همانند این کارها نظر داشت، به تجارت و اقتصاد، راه‌سازی، معماری، احداث شهرها با تکمیل و توسعه آنها نیز توجه می‌نمود؛ و چون می‌دانست که امنیت و سرعت عمل در نقل و انتقال نیروهای نظامی بی‌داشتن راه‌های ارتباطی مؤثر میسر نیست، به ایجاد جاده‌های جدید و بنای کاروانسراهای بسیار بر سر راه‌ها پرداخت. از آنجا که بیشتر اوقات خود را نیز در سیاحت و سفر به نواحی مختلف کشور می‌گذراند، بنابراین خودش بهترین پاسدار و نگهبان آن راه‌ها بود. افزون بر این، امنیت بی‌سابقه‌ای که او در کشور به‌وجود آورد، استفاده کاروان‌های بازرگانی را از این راه‌ها بسیار آسان ساخت. از جمله این راه‌سازی‌ها، ساختن راه کوهستانی مازندران بود. (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۷۷، ۹۸۹-۹۹۱).

آزادمنشی شاه عباس اول نسبت به ارمنیان و استفاده از آنان در امر تجارت و آبادانی نیز یکی از عوامل بزرگ توسعه شهر اصفهان بود. جلفای اصفهان در جوار پایتخت ساخته شد و به فرمان پادشاه، کلیسایی عظیم در آنجا احداث گردید که بر

رونق بازار سوداگران اصفهان افزود. بدین ترتیب اصفهان در مدتی کمتر از سی سال، به صورت یکی از بزرگ‌ترین شهرهای آن روز در ایران درآمد و دارای باغ‌های بزرگ و دروازه و آبادی‌های بسیار شد. نظیر همین توسعه در دیگر شهرهای بزرگ مانند کاشان، مشهد، تبریز و برخی از بلاد شمال و جنوب ایران، بر اثر گسترش کارهای اقتصادی و افزایش امنیت به دست آمد. در عصر صفوی به ویژه شاه عباس اول، اقلیت‌ها مورد تساهل و تسامح مذهبی قرار گرفتند؛ دشمنان خارجی عقب زده شدند؛ هنرها و صنایع در حد و حجم قابل اعتنایی شکوفا و دانشمندان بزرگی در عرصه فلسفه پدیدار شدند.

اما صرف نظر از برقراری امنیت، رونق اقتصادی، تجاری و علمی، این نکته را نیز نباید فراموش کرد که پادشاهان این سلسله با خشونت و خونریزی حکومت خود را بنا نهادند. رفتار پادشاهان صفوی، کینه جویی و انتقام گرفتن آنان از دشمنان داخلی و خارجی، خود گواهی بر این مدعاست. حسن بیگ روملو رفتار شاه اسماعیل اول را با جسد شبیک خان از یک چنین شرح می‌دهد:

«بعضی از ملازمان موكب همایون، در میان كشتگان شبیک خان را یافتند كه از غلبه مردم خفه شده جان تسلیم کرده بود. حاقان سكندر شأن همان لحظه فرمود كه سر پُر سر او را از بدن جدا ساخته پوست خداند و پر كاه کرده به سلطان بایزید پادشاه روم فرستادند و استخوان كله اش را در طلا گرفته قلعی ساختند و در آن جام شراب ریخته در مجلس بهشت آیین به گردش در آوردند» (روملو، ۱۳۴۹، ج ۱، ۱۲۲).

شاه طهماسب اول نیز رفتاری خشونت آمیز داشت. او در حمله به گرجستان (۹۴۷ هـ.ق / ۱۵۴۰ م) که به قصد «نصرت دین اسلام و تقویت دین رسول» انجام داد، آنچنان قتل و غارت کرد که نهب و تاراج ازبکان در خراسان و خشونت‌های شاه اسماعیل اول در برابر آن هیچ بود. شرح مفصلی که حسن بیگ روملو در این باره می‌دهد، اگر چه شاید موجب تشفی و انبساط خاطر شاه بود، لیکن به واقع رقت بار و نشان از سنگدلی، بی‌رحمی و شقاوت شاه صفوی دارد. در حمله سوم شاه طهماسب به گرجستان که به سال ۹۵۸ هـ.ق / ۱۵۵۱ م انجام شد، می‌نویسد:

«غازیان ظفر شعار پست و بلند دیار کفار را احاطه فرمودند و هر کوه و کمر که گریز گاه آن قوم گمراه بود از لگدکوب دلاوران باهامون یکسان شد و یک متنفس از آن مشرکین از دایره قهر و کین و الله محیط بالكافرین جان به سلامت بیرون نبرد و اهل و

عیال و اموال و اسباب به ارث شرعی از مقتولان به قاتلان انتقال نمود. خوبرویان گرجی نژاد و پری و شان آدمی زاد... مقید عبودیت و پرستاری شدند». (روملو، ۱۳۴۹، ۳۵۲).

روملو، از فجایعی که شاه طهماسب و قزلباشان در پوشش «دین» از تخریب و غارت و کشتار و برده کردن زنان و کودکان مسیحی و قتل «کشیشان بد گهر کریه منظر و خُرد کردن ناقوس عظیم هفتاد منی هفت جوش و حتی کندن درهای آهنین و زرین کلیساها» و فرستادن آنها به «خزانه عامره» با همه گنجینه‌ها که در معابد مسیحیان گرجی فراهم آمده بود، با لحنی حماسی و با تفاخر یاد می‌کند. (روملو، ۱۳۴۹، ۳۵۶ - ۳۵۱) اما نمی‌نویسد که قصد واقعی «شاه دین پناه» لُثم و بد سیرت که شب و روز به شمارش اموال مشغول بود و حتی از فروش لباس‌های مدرّس خود در بازار اِبا نداشت و هدف «غازیان ظفر شعار وحشی» از آزار مردمانی ضعیف و بی‌دفاع یک ولایت، به چنگ آوردن خواسته و مال آن دیار و به اسارت بردن «پری و شان آدمی زاد گرجی» بود که از آن تاریخ به بعد در حرم‌سراهای پادشاهان و بزرگان عهد صفوی به وفور یافت می‌شدند؛ و گرنه این سپه «ظفر شعار» همان‌هایی بودند که چون از حمله سپاهیان عثمانی خبر می‌یافتند، برای آن‌که با سپاه خصم روبه‌رو نشوند و «سلامت» به منزل رسند، آبادی‌های سر راهشان را تاراج و لُثمی می‌کردند و خود را با دشمن روبه‌رو نمی‌ساختند. خشونت میان وزیران و سرداران شاه طهماسب نیز درخور توجه است. «در ۹۳۲ هـ جماعتی از طایفه شاملو که مواجیشان نرسیده بود به‌خانه خواجه حبیب‌الله، از وزیران و سرداران طهماسب، که مردی نیک‌نهاد بودند ریختند و او و پسر و صد تن از اتباعش را پاره پاره کردند، چون سگانی گرسنه که بر سر مردارها افتند». (روملو، ۱۳۴۹، ۳۵۶-۳۵۱).

در ۹۴۳ هـ ق / ۱۵۳۶ م. شاه طهماسب اول، خواجه کلان غوریانی را که عبیدالله‌خان ازبک را در عبور از ناحیه غور پذیرفته بود و از بیم وی، پادشاه ایران را به‌نیکی یاد نکرده بود، محکوم به قتل کرد: «فرمانبران او را کشتان کشتان به چهار سوق هرات برده پوست کنند و پر گاه کرده بر سر چوب تعبیه کردند» (روملو، ۱۳۴۹، ۲۹۷). یکی از اعمال وحشیانه، دریدن محکوم به دندان و خوردن گوشت او بود. «پادری پُل سیمون» از کشیشان کرملی که بارها در دیوان عدل عباسی حضور داشت و انواع مجازات‌ها را دیده و وصف کرده، از دوازده سگ آدمی‌خوار و دوازده مرد

«زنده‌خوار» سخن می‌گوید که حتی در مجلس بار شاه عباس آماده دریدن و خوردن کسانی بودند که پادشاه حکم می‌داد و فرمان او را بی‌چون و چرا می‌گذاشتند.^۱ این زنده‌خواران را «چیگین» یعنی دسته گوشت خام‌خوار می‌نامیدند. آنان پوششی خاص داشته و مأمور بودند که هنگام اجرای حکم، محکوم را به دندان بدرند و گوشت خام او را بخورند!

خونریزی‌های شاه اسماعیل دوم چنان بود که در تاریخ مشهور است اما شاه عباس اول نیز از این کردار زشت و ضدانسانی برکنار نبود. برای نمونه از جمله کفرهایی که در عهد وی و به فرمانش جاری بود، می‌توان به جوشاندن آدمیان در روغن گداخته و یا پوشاندن قبای آغشته به باروت بر تن محکومان نگون‌بخت و آتش زدن آنها، شکم دریدن، زنده پوست کردن، دست و پا بریدن، میل بر چشم کشیدن، گوش و بینی بریدن، سرب گداخته در گلو ریختن، زبان بریدن، به سیخ کشیدن، پوست آدمی به کاه انباشتن، از دروازه‌ها و از گنجه آویختن، در پوست گاو کشیدن، در گچ گرفتن و از این قبیل رفتارهای غیرانسانی و نابهنجار یاد کرد.^۲ (فلسفی، ۱۳۶۹، ج ۲).

شاه عباس ثانی نیز از این صفات زشت بری نبود؛ اما اقدامات نیکش تا حدی جبران آن درشت‌خویی‌ها را کرد. اما پسرش، شاه سلیمان، همان میخوارگی و سفاکی او را تکرار کرد و به قول کروسینسکی اهمیت عهد او فقط در سیاست‌های بی‌رحمانه و وحشی‌گری‌هایی است که حتی بیان یکی از آنها بر شخص گران می‌آید. وقتی که در حال مستی یا غضب بود، هیچ کس از مجاورتش بر جان و مال خود ایمنی نداشت. دست‌ها، پاها، بینی‌ها و گوش‌ها برید، چشم‌ها بیرون آورد و زندگی‌ها فدای کوچک‌ترین هوس خود ساخت. شخصی که در ابتدای مجلس طرب بیش از همه حضار مورد توجه او بود، در انجام مجلس به قربانگاه می‌رفت. (صفا، ۱۳۶۶، ج ۴، ۹۱). در برابر بسیاری از جنبه‌های افتخارآمیز تاریخ ما که عهد صفوی به آنها آراسته است، فسادهایی هم دامنگیر اهل ایران زمین بود که بازگویی بعضی از آنها از باب عبرت خواننده خالی از فایده نیست. دسته‌ای از این فسادها مولود سوء تربیت طبقه حاکمه آن دوران خاصه قزلباشان بود که پایه‌های تخت صفوی بر شانه‌های آنان استوار

۱. تاریخ کشیشان کرمانی، ج ۱، صص ۱۵۸ - ۱۵۹، نقل از: تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس، صص ۳۴۰ - ۳۴۱

۲. برای اطلاعات بیشتر نک: تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس اول، ص ۳۴۲.

بود؛ اما فساد دستگاه سلطنت را که درست پس از دوران طلایی شاه عباس اول آغاز شد، باید رأس تمامی این تباهی‌ها دانست. محروم کردن شاهزادگان از زندگی در جامعه و تمرین فرمانروایی و جنگاوری، وقتی با ثروت سرشار و انباشتگی خزانه سلطنتی به‌طور یک جا فراهم بود، آنان را به عیش و نوش و غفلت از بود و نبود مُلک کشاند. جانشین شاه عباس، سام میرزا، که با نام شاه صفی بر تخت سلطنت جلوس کرد، بر همین منوال پرورش یافته و از کار ریاست و سیاست بی‌خبر مانده بود. وی در دوران سلطنت خود، به امور زمامداری و مملکتی علاقه‌ای نشان نداد و مانند دیگر پادشاهان دوره اخیر صفوی، رشته کارها را به‌دست وزیران سپرد و به باده‌گساری در کنار زنان حرمسرا پرداخت. خونخواری و آدم‌کشی او عادتاً در حال مستی صورت می‌گرفت و یکی از بزرگترین قربانیان این حالت، امام قلی‌خان، حاکم فارس و سردار بزرگ شاه عباس اول بود.

خوی زشت باده‌گساری را شاه عباس دوم نیز رها نکرد. او در باده نوشی چنان افراط کرد که از توجه به کار مُلک غافل ماند و عاقبت هم، جان بر سر این خوی زشت نهاد و در جوانی درگذشت.

جانشین وی، شاه سلیمان که او نیز از دوران جوانی در حرمسرا با زنان و خواجه‌سرایان محشور بود، چنان با شراب و زنان الفت داشت که تصمیم‌های کشوری را در حال مستی و در مصاحبت و مشورت زنان و خواجه‌سرایان می‌گرفت. اگر وزارت بر عهده مرد کاردانی مانند شیخ علی‌خان زنک‌نه‌نود، پایان کار صفوی در زمان همین پادشاه صفوی رقم می‌خورد؛ اما اوج فساد و تباهی طبقه حاکمه، مربوط به دوران شاه سلطان حسین است که بهتر می‌توان تأثیر سوء ثروت سرشار، راحت‌طلبی و کامرانی‌های نابخردانه صفویان و دولتمردان را مشاهده کرد.

شاه طهماسب اول یک بار در ۹۳۹ هـ.ق توبه و شراب‌خواری را منع کرد؛ اما بعد از عهد آن پادشاه، دوباره باده نوشی آغاز شد و به‌ویژه در عهد آرامش و ثبات شاه عباس اول، شراب‌خانه‌ها رونق بسیار یافت. بار دیگر شاه عباس به سال ۱۰۲۹ هـ.ق شراب‌خواری را منع کرد و اوامر پادشاه به جز در فارس، در دیگر نواحی ایران به دقت اجرا شد؛ اما پس از هشت ماه، شاه با فرمان دیگری، دستور پیشین خود را لغو کرد. بنا بر آنچه «پیترو دلاواله» سیاح معروف ایتالیایی نوشته ظاهراً فرمان منع شرب خمر

موجب شد تا شراب‌خواران به آب کوکنار و تریاک زوی آوردند و شاه برای جلوگیری از مفسده بزرگتری چون اعتیاد به مواد افیونی، فرمان خود را لغو کرد.

اما فروپاشی سلسله صفویه از دوران شاه صفی آغاز شد که طی حکومت شاه عباس دوم، با اقداماتی که وی انجام داد، متوقف شد؛ تا این‌که با روی کار آمدن شاه سلیمان، آهنگ زوال بالا گرفت. شاه سلیمان که پادشاهی دائم‌الخمر بود، کوچک‌ترین علاقه‌ای به امور نظامی و دولتی نداشت. او که قبل از جلوس بر تخت سلطنت به غیر از زنان و خواجه‌سرایان سپاه با کسی معاشرت نکرده و از آموختن علم سلطنت محروم مانده بود، پس از جلوس بر تخت سلطنت نیز به شکار و تفریح با زنان خود پرداخت. همین عمل وی موجب شد که وزرا کارهای دولتی را به میل و اراده خود انجام دهند. شورای خصوصی زنان حرم و خواجگان دربار که شاه هیچ کنترلی بر آنها نداشت، سبب شده بود که آنها خود را در محور نهاد حاکمه قرار دهند. بدین طریق، سستی و ضعف حاکمان سیاسی سبب شد تا پایه‌های پوسیده دولت صفوی برای درهم ریختن آن توسط افاغنه فراهم شود. بی‌علاقگی شاهان این دوره به امور نظامی و لشکری، اختلافات میان عناصر حکومتی و توجه بیش از حد شاهان به امور مذهبی، زمینه مناسبی شد تا آشوبگران و دشمنان داخلی و خارجی از وضع موجود استفاده کنند و با ورود افغانان غلجایی انحلال و انحطاط کامل حکومت نمایان شود.

نیروی سیاسی دیگری که علاوه بر قدرت روحانیون و علما طی سلطنت شاه سلیمان و شاه سلطان حسین موفق شد به مقام بسیار قدرتمندی دست یابد، حرم شاه و شخص وزیر بود که در فروپاشی و زوال سلسله صفویه نقش مهمی داشتند. سیاست محدود کردن شاهزادگان خاندان سلطنتی در حرم، قدرت فوق‌العاده‌ای به حرم داد. در این زمان حرم به نوعی به هیأت مشاوره غیررسمی‌شبه بود که معمولاً بر همه امور تفوق داشت. این هیأت مشاوره مرکب بود از مادر شاه، خواجگان اصلی و زنان سوگلی شاه و وزیران.

افزایش قدرت روحانیون و مجتهدان، همزمان با کاهش قدرت شاهان صفوی در این دوره همراه بود. تلاش و سعی طبقات روحانیون در آزاد کردن خود از کنترل سیاسی که از سوی دستگاه حکومتی اعمال می‌شد، حائز اهمیت است. در این دوران به دلیل ضعف شاهان و بی‌کفایتی آنان، علما تمایل به تجدید ادعایشان مبتنی بر عدم

وابستگی به نهاد سیاسی کشور را داشتند. طی پنجاه و شش سال از سلطنت شاه سلیمان و شاه سلطان حسین، اوج قدرت علما و روحانیون بود. در این دوره مجتهدان از دعوی روز افزون عدم وابستگی به شاه رفته رفته به جایی رسیدند که در واقع شاه را کنترل کردند. نقش سیاسی «صدر» را نخست «شیخ الاسلام» و سپس پس از جلوس شاه سلطان حسین، مقام رسمی‌ای به نام «ملاباشی» صاحب شد.

www.ketab.ir